



رادبو آلمان و

فانتبسم در

دهه ۱۹۳۰

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول، تحمیل پیمان ورسای به این کشور تنفر و دشمنی عمیق آلمانیها را برانگیخت. این پیمان آلمان را واداشت تا مسئولیت کامل جنگ را برعهده گرفته و خسارتهای سنگینی را به متحدین بپردازد. علاوه بر این، تبعات ناشی از بیکاری گسترده و فروپاشی اقتصاد در طول بحران مالی دهه ۱۹۳۰، زمینه را برای ظهور آدولف هیتلر (Adolf Hitler) - دیکتاتور فاشیست آلمان - آماده کرد. مردم آلمان می‌پنداشتند روی کارآمدن فردی مقتدر می‌تواند به هرج و مرجع پایان داده و افتخارات گذشته را به کشور بازگرداند. پس از آنکه هیتلر در سال ۱۹۳۳ به قدرت رسید، حزب نازی سعی کرد به نفوذ خود در میان اقشار مختلف جامعه آلمان بیفزاید که در این جهت، رادیو یکی از بهترین و قوی‌ترین ابزارها محسوب می‌شد.

● پاتریس پولتزر

ترجمه شهرام جمالیان

رتال جامع علوم انسانی

رادیو قبل از سال ۱۹۳۳

بنگاه خبرپراکنی آلمان (RRG) در آن سالها از لحاظ فنی، مالی و اداری کنترل محدودی بر ایستگاههای محلی داشت. برخلاف آنچه که سالهای بعد روی داد، رادیو آلمان ابتدا کار خود را به- عنوان رسانه‌ای آغاز کرد که هیچ حزب سیاسی حق بهره‌برداری از آنرا نداشت. این رادیو ابزاری محسوب می‌شد برای گفت‌وگوی آزاد، تبادل افکار گوناگون و بیان عقاید نو. در سال ۱۹۲۶، قانونگذاران لایحه‌ای را به تصویب رساندند که براساس آن

مدیران رادیو مکلف به حفظ بی‌طرفی سیاسی شدند و مقرر شد همه برنامه‌های رادیو عاری از سیاست باشد. اما ایده به‌وجود آوردن رادیویی غیرسیاسی تنها فکری ساده‌لوحانه بود و مدتی بعد مشخص شد که جمهوری بی‌ثبات «وایمار» (WEIMAR)، توانایی دور نگاه داشتن این رسانه از درگیریهای سیاسی را ندارد.

هدف رادیو در آلمان چه بود؟

در اواخر همان سال، بحث و مشاجره عمومی بر سر این مسئله که رادیو چگونه باید در خدمت آلمان قرار گیرد، به تدریج

بالا گرفت. در یک سو این عقیده وجود داشت که رادیو باید به عنوان ابزاری برای آگاهی سیاسی به کار گرفته شود، و در سویی دیگر عده‌ای بر این باور بودند که بی طرفی سیاسی این رسانه باید رعایت شود. تا سال ۱۹۲۸ فشار برای سیاسی کردن رادیو افزایش یافت. «کخ - وسر» (Koch - Weser) وزیر دادگستری وقت آلمان ادامه روند دور نگاه داشتن رادیو از هر چیزی که بوی سیاست دهد را غیرقابل تحمل خواند. در مقابل نظریاتی از این قبیل، گروهی از مردم تاکید می کردند که شنوندگان آلمانی نباید از سوی عقاید سیاسی بمباران شوند. «هانس بردو» (Hans Bredow) - وزیر پست - اصرار داشت که سیاستهای احزاب به مطبوعات و پارلمان تعلق دارد و نفوذ آنها به رادیو سوء استفاده از این رسانه به شمار می رود. او عقیده داشت که از رادیو باید در جهت حل اختلافات، بهره گرفته شود و سیاست نباید با احاطه بر این رسانه، آرامش و صلح جامعه را به خطر اندازد. چنین رویکرد محافظه کارانه‌ای چندان با وضعیت آلمان دوران وایمار همخوانی نداشت. این باور که رادیو نیز باید همانند مطبوعات با رعایت برخی محدودیتها به طرح مسائل سیاسی پردازد، در اوایل سال ۱۹۲۹ به شدت در حال تقویت شدن بود.

سیاسی شدن رادیو

در مدت کوتاهی حتی بردو نیز عقیده خود مبنی بر غیرسیاسی نگاه داشتن رادیو را زیر سوال برد. وی به تدریج پذیرفت که ممنوعیت روی آنتن رفتن هرگونه سخن سیاسی به نتایجی می انجامد که خود او آن را «وضعیتی عجیب» می نامید. وی سرانجام به این نتیجه رسید که دور نگاه داشتن جدیدترین وسیله ارتباط جمعی از مواجهه با مشکلات روزمره، به منظور ممانعت از جریحه دار شدن احساسات شنونده کم طاقت و ناشکیبا، خود تبعات نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت. به تدریج این عقیده عمومیت

دستورالعملهای جدیدی که سیاست رادیو آلمان را تحت تاثیر خود قرار داد، در پایه ریزی خوی ملی گرایی افراطی هیتلر نقش مهمی را برعهده گرفت.

یافت که با ایجاد توازن در دیدگاههای سیاسی متفاوت و درخواست از همه طیفهای سیاسی برای بیان نظرات خود، می توان بی طرفی سیاسی رادیو را حفظ کرد.

رویداد دیگری که در سال ۱۹۲۹ به روند سیاسی شدن رادیو

سرعت بخشید، فروپاشی بازار بورس سهام بود. حتی قبل از سقوط معروف بازار بورس سهام نیویورک، در بیست و یکم اکتبر ۱۹۲۹، فعالیتهای تجاری در آلمان رکود بی سابقه‌ای را تجربه کرده بود که به بیکاری ۷۳ میلیون نفر منجر شد. تا سال ۱۹۳۲، از هر سه شاغل

رویکرد محافظه کارانه رادیو، چندان با وضعیت آلمان دوران وایمار همخوانی نداشت. این باور که رادیو نیز باید همانند مطبوعات با رعایت برخی محدودیتها به طرح مسائل سیاسی پردازد، در اوایل سال ۱۹۲۹ به شدت در حال تقویت شدن بود.

آلمانی یک نفر شغل خود را از دست داده بود. این بحران اقتصادی جو بزرگی از ناامیدی و یاس را در آلمان به وجود آورد. بسیاری از کارگران، به ویژه آن‌ها عده که به شدت از بیکاری صدمه دیده بودند، همچنان پایبندی خود به چپ را حفظ کردند، اما به جای تبعیت از سیاستهای دموکراتیک حزب سوسیال دموکرات، به سوی حزب تندروی کمونیست، که خواهان سرنگونی جمهوری وایمار بود، گرایش پیدا کردند. این بحران سیاسی در آلمان باعث شد تا دلایل وضعیت دشوار کشور از طریق این وسیله ارتباط جمعی با آحاد مردم در میان گذاشته شود. اما در مدت کوتاهی، مشکل دیگری از زیرآوار سیاسی کشور سر برافراشت و آن، عدم توازن سیاسی بود. هنگامی که دروازه‌های این رسانه به سوی نمایندگان احزاب سیاسی گشوده شد - به ویژه در زمان فعالیتهای انتخاباتی سال ۱۹۳۰ - از شرکت احزاب کمونیست و فاشیست در میزگردهای رادیو با این توجه که آنها «دشمن کشور» هستند، جلوگیری شد. در سال ۱۹۳۱، «اریش شولتز» (Erich Scholl) معاون وزیر کشور - طرح خود به منظور اصلاح رادیو را ارائه داد. وی در نظر داشت هم رادیوی ملی و هم رادیوهای محلی را دگرگون کرده، وظایفی فراتر از سرگرم کردن مردم را برای این رسانه تعریف کند. او عقیده داشت رادیو باید «فرهنگ و روح آلمانی» را منتقل کرده و از کنترل سرمایه گذاران خصوصی خارج شود.

طرح شولتز در ابتدا با مقاومت روبه رو شد، اما در مدت کوتاهی برخی از مقامات وزارت کشور از کار برکنار شدند و جای خود را به افرادی سپردند که طرفدار کنترل کامل دولت بر رادیو بودند.



سرانجام در ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۲، اصلاحات جدید شولتز به مرحله اجرا درآمد؛ سرمایه‌های خصوصی از همه بخشهای مالی رادیو بیرون کشیده شدند و دولت به عنوان تنها تامین‌کننده نیازهای مالی این رسانه، کنترل آن را به دست گرفت.

رادیوی جدید آلمان

نتیجه اصلاحات مذکور این شد که بنگاه خبرپراکنی آلمان

گوبلز در ماه مه ۱۹۳۳ طی سخنانی با حضور روسای ایستگاههای محلی رادیو با اشاره به اهمیت فوق‌العاده رادیو برای نفوذ در اذهان توده مردم گفت: «رادیو باید خدمتگزار واقعی خلق باشد. این رسانه باید مردم آلمان را در قالبی واحد متحد کند.»

به‌طور رسمی تمام ایستگاههای رادیویی را در اختیار خود قرار داده و نظارت کاملی بر آن داشته باشد. RRG موظف شد همه سخنرانیها و بیانیه‌های دولتی را منتشر کرده و در مجموع، این رسانه را به خدمت «منافع مردم آلمان» درآورد. رادیویی جدید در کشور به وجود آمده بود؛ رادیویی که به خوبی از قدرت بالقوه خود برای تحت تاثیر قراردادن جامعه آگاه بود. دستورالعملهای جدیدی که سیاست رادیوی آلمان را تحت تاثیر خود قرار داد، در پایه‌ریزی خوبی ملی‌گرایی افراطی هیتلر نقش مهمی را برعهده گرفت. سیاست جدید رادیو آلمان بر این اساس پی‌ریزی شده بود که شنوندگان رادیو منفعل و آسیب‌پذیر بوده و بنابراین جلوگیری از پخش برخی اخبار و برنامه‌ها توجیه‌پذیر است. اصلاحات سال ۱۹۳۲، ملی‌شدن و تمرکزگرایی رادیو را کامل کرد و به RRG و وزارت کشور قدرت زیادی بخشید. هنگامی که هیتلر کمتر از شش ماه بعد به قدرت رسید، سیستم رادیو به‌گونه‌ای تغییر یافته بود که کاملاً برای برآورده کردن نیازهای او هماهنگی داشت.

پیروزی نازیها

«مدانی که اکنون در حال شکل دادن به رادیوی جدید آلمان هستند، مبارز محسوب می‌شوند. برای آنها رادیو به عنوان عنصری کلیدی در نبرد سیاسی ارزشمند است. از نظر آنها، رادیو جدیدترین، قوی‌ترین و انقلابی‌ترین سلاحی است که ما برای جنگیدن با جهانی پیر و فرسوده و برای برپایی رایش سوم نوین در اختیار داریم.»

«اواگن هاداموسکی» (Eugen Hadamovsky)، سرپرست

کارگردانان برنامه‌های رادیویی؛ ۱۹۳۴)

هیتلر در سال ۱۹۳۳ به مقام صدراعظمی رسید. نازیها در انتخاباتی که مملو از تهدید، خشونت و تقلب بود، کنترل پارلمان آلمان را به دست گرفتند و بدین ترتیب جمهوری وایمار به انتهای کار خود رسید. هیتلر به قدرتی نامحدود دست یافت و آلمان جدید را رایش سوم (امپراتوری سوم) نامید. پیشوای دیکتاتور آلمان متوجه شد که رادیو توانایی تاثیر گذاری بر مردم کشور را داراست و قادر است پیام رژیم اقتدارگر را به گوش آنان برساند. او به خوبی می‌دانست که مبارزات فکری توده‌های مردم بیش از هر نیروی دیگری می‌تواند در مطیع کردن ملت موثر باشد.

چرا رادیو؟

هنگامی که نازیها به قدرت رسیدند، رادیو هنوز رسانه‌ای نوپا به‌شمار می‌رفت و آنها دریافتند که کنترل برنامه‌های آن بسیار آسان‌تر از مطبوعات است. هیتلر پس از مدت کوتاهی با تاکید بر نقش مهم رادیو، طرح ایجاد وزارت تبلیغات را به مردم نوید داد. سرانجام در ۳۰ ژوئن ۱۹۳۳، وزارت تبلیغات هیتلر تشکیل شد. وظایف این وزارتخانه چنین بود: به‌کارگیری همه امکانات و تجهیزات به‌منظور نفوذ برفاکر ملت، ارتقا اذهان عمومی در داخل و خارج از کشور دموور مسائل ملی، فرهنگی و اقتصادی و همچنین اداره تمام ارگانها و سازمانهایی که در این جهت فعالیت می‌کردند، به عبارتی دیگر، رادیو آلمان کاملاً در اختیار وزارت تبلیغات هیتلر قرار گرفت. با تحمیل اساسنامه جدیدی بر RRG، این بنگاه خبرپراکنی مسئول مدیریت سیاسی، فرهنگی و فنی سیستم پخش آلمان شد. عده زیادی از کارکنان آن اخراج و افراد

سیاست جدید رادیو آلمان بر این اساس

پی‌ریزی شده بود که شنوندگان رادیو منفعل

و آسیب‌پذیر بود و بنابراین جلوگیری از

پخش برخی اخبار و برنامه‌ها توجیه‌پذیر است.

تازه‌ای جایگزین آنان شدند و با قرارگرفتن «یوزف گوبلز (Joseph Gobbels)» در راس وزارت تبلیغات، ساختار RRG کاملاً دگرگون شد. گوبلز پس از منصوب شدن به این مقام، به‌سرعت بخشی را در این وزارتخانه تشکیل داد که وظیفه اصلی آن نظارت و کنترل کامل بر تمام فعالیتهای رادیو بود. وی همچنین اعلام کرد

(آرتور فرودنیگر، یکی از مسئولان تبلیغاتی رادیو؛ ۱۹۳۹)

از آنجایی که قیمت این نوع گیرنده رادیویی نسبت به انواع دیگر ارزان تر بود، فروش بالای آن برای هیتلر که قصد داشت همه آحاد مردم را تحت تاثیر تبلیغات خود قرار دهد، اهمیت فوق العاده‌ای داشت. قیمت فروش «گیرنده مردمی» ۷۶ مارک بود، در حالی که سایر گیرنده‌های معمولی تا ۱۵۰ مارک ارزش داشتند و همین موضوع باعث شد از زمان روی کار آمدن نازیها تا سال ۱۹۳۹،

چنانچه کسی علاقه‌ای به حمایت از هیتلر ندارد، به نفع او نیست که همچنان منصب خود را حفظ کند. بر همین اساس، عده‌ای از رهبران قدیمی؛ نظیر: هانس بر دو از شغل خودکناره‌گیری کرده و پشتیبانان دولت جدید جایگزین آنان شدند. گوبلز در ماه مه ۱۹۳۳ طی سخنانی با حضور روسای ایستگاههای محلی رادیو با اشاره به اهمیت فوق العاده رادیو برای نفوذ در اذهان توده مردم گفت: «رادیو باید خدمتگزار واقعی خلق باشد. این رسانه باید مردم آلمان را در قالبی واحد متحد کند.»

از نظر هیتلر، رادیو ابزاری محسوب می‌شد برای سخن گفتن با تمام مردم آلمان بدون توجه به مقام، مذهب و یا اعتقادات فرقه‌ای آنها. از این رو وی این رسانه را به وسیله تبلیغاتی خود تبدیل کرد؛ زیرا اعتقاد داشت مردم عبارات گفتاری را به پیامهای مکتوب ترجیح می‌دهند. اندکی پس از شروع کار وزارت تبلیغات، اعمال سانسور بر همه برنامه‌ها آغاز شد تا آن برنامه‌ها با ایدئولوژی نازیها همخوانی داشته باشند. بیشترین سانسور بر اخبار و برنامه‌های تحلیلی اعمال می‌شد، اما از آنجایی که برنامه‌های سرگرم‌کننده نیز به طور غیرمستقیم بر سیاست تاثیرگذار بودند، این برنامه‌ها نیز از تیغ تیز سانسور در امان نماندند. در مدت کمتر از یک دهه، رادیو آلمان از رسانه‌ای غیرسیاسی به ابزاری صددرصد سیاسی تغییر ماهیت داد. پس از آنکه هیتلر پایه‌های دیکتاتوری خود را بنا نهاد، وی تا آنجا پیش رفت که حتی درانتخاب و خرید نوع گیرنده رادیویی نیز به جای مردم تصمیم می‌گرفت.

یک رادیو برای تمام آلمان

پس از آنکه ماهیت سیاسی رادیو آلمان مشخص شد، گوبلز تلاش کرد تا مطمئن شود تمام آلمانیها برنامه‌های او را دریافت می‌کنند. راه حل در تولید و فروش نوعی گیرنده رادیویی ارزان قیمت به نام «فوکس امفانگر» (Voiks empfanger) یا گیرنده مردمی (People's Set) یافت شد. اولین مدل آن VE 301 نامیده می‌شد که مردم از آن استقبال زیادی کردند.

این عمل برای نازیها چه مفهومی داشت؟

«همه مردم آلمان نه تنها در پخش برنامه‌های رادیویی شرکت می‌کنند، بلکه آماده‌اند تا برنامه‌های آن را در هر لحظه‌ای دریافت کنند. این برای منافع سیاسی کشور بسیار پر اهمیت است.»



پس از آنکه

هیتلر پایه‌های

دیکتاتوری

خود را بنا نهاد،

تا آنجا پیش

رفت که حتی

در انتخاب و

خرید نوع

گیرنده

رادیویی نیز به

جای مردم

تصمیم

می گرفت.

دوازده و نیم میلیون گیرنده رادیویی از این نوع به فروش برسد. این بدان معنا بود که از هر دو خانواده آلمانی، یک خانواده صاحب چنین دستگاهی بود. نازیها اکنون مطمئن بودند که در هر زمانی به تمام جمعیت کشور دسترسی دارند.

ادامه دارد...

